

## نگاهی کوتاه به تاریخچه جنگ ویتنام



برگردان: سامان

از: فین خاک نگوین

### سرسخن:

به نظر می‌آید که این مطلب برای توضیح مبارزه مقاومت طولانی خلق فلسطین برای آزادی و استقلال سرزمین پدری از یکسو، و مشاجره و صف‌بندی ایران و آمریکا پس از انقلاب ۵۷ جهت حفظ استقلال سیاسی آن در منطقه خاورمیانه با توجه به مذاکرات اخیر، پیش شرط‌ها، مشاجرات و پای‌بندی به رعایت حقوق قانونی ایران به‌عنوان عضو سازمان ملل و

سازمان انرژی اتمی از سوی دیگر برای جلوگیری از جنگ مقایسه مفیدی باشد. متأسفانه ایران تاکنون برای دفاع از حقوق بدیهی خود دو بار یکی در جنگ ایران و عراق و دیگری هم اکنون مورد تعدی و تجاوز دولت قدرت‌مند آمریکا و اسرائیل و متحدین اروپایی آنها قرار گرفته است. جهان و ایران بارها تجربه این گونه دست‌درازی‌ها و گستاخی‌ها را تجربه کرده و زخم آن را بر تن داشته و دارند. به نظر می‌رسد که تاریخ معاصر در گذشته نه چندان دور خود را به شکل دیگری در جای دیگری به همان بهانه‌ها و روش‌ها در سرکوب ملل استقلال یافته یا نیافته با ابزار و سلاح‌های مخوف پیشرفته‌تری تکراری می‌کند. جهان مدعی تمدن، آزادی و دموکراسی تحت این عناوین و الفاظ دروغین جز توحش، سببیت و خونریزی برای حفظ منافع خود چیزی به نمایش نگذاشته است. اسرائیل شریک خونین و بازیچه دست آموز استعمار در این میان نقش شامرطی و شعبده‌باز این نمایش فاجعه‌بار را بازی می‌کند. مقایسه مبارزات آزادیبخش فلسطین با نبرد پیروزمند دین بین فو و مذاکرات صلح ویتنام شمالی با فرانسه و آمریکا دو تجربه معاصر هستند که با وجود تفاوت‌های فراوان ملی، منطقه‌ای و تغییر شرایط تاریخی می‌توانند درس‌های مهمی در مورد عدم اعتماد به دشمنان و تکرار شیوه‌های شناخته شده آنها در شکست و تحمیل خواسته‌های خود از طریق تاکتیک‌ها و حیل‌های گوناگون بیاموزند.

«هرگز، پیش از این ندیده بودیم که چنین سیلی از ویتنامی‌ها به سوی جبهه سرازیر شوند. هرگز جوانان ما چنین مسافت‌های طولانی را طی نکرده، و از مناطق عجیب کشورشان عبور نکرده بودند.

از دشت‌ها به نواحی کوهستانی، بر جاده‌های بزرگ و کوچک، در امتداد رودخانه‌ها و جویبارها، هرجایی که مردم گرد هم می‌آمدند، از پایگاه عقب مردان و تجهیزات به سوی جبهه سرریز می‌شدند، به ارتش می‌پیوستند که دشمن را در هم بشکنند و کشور را آزاد نمایند. پایگاه عقب عزم خود برای پیروزی، اعتماد کاملش به مقاومت و شور و شوق ناشی اصلاحات ارضی را به سربازان خط مقدم ابلاغ کرده است».

ژنرال فو نگوین جی‌آپ، دین بین فو، ۱۹۶۰

## دین بین فو

در این فضای انقلابی بود که فرماندهی ویتنام طرح‌هایش را برای کارزار زمستان-بهار ۵۴-۱۹۵۳ قطعی کرد. همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود، حملات شدید دشمن به مناطق آزاد شده در لانگ سون و نینه بین نتایج ضعیفی دربر داشت، و نیروهای فرانسوی پس از تحمل تلفات سنگین به سرعت منطقه را ترک کردند.

در نوامبر ۱۹۵۳ نیروهای ویتنامی برای آزاد سازی مرکز استان لای چائو به شمال غربی یورش بردند. فرمانده فرانسوی تصمیم گرفت که نیروهای تازه نفس به این منطقه بفرستد، و در ۲۰ نوامبر، ناو‌اره دستور داد شش گردان با چتر نجات در دین بین فو، در پایگاهی متروک در عمق جنگل‌های شمال غربی فرود آیند.

در ۲۱ نوامبر ویتنامی‌ها با هماهنگی نیروهای پات لائو به مرکز استان خام موئون و شهرک تاکهت جایی را که آنها آزاد کرده بودند یورش بردند. ناواره چندین گردان را برای تقویت پایگاه سنو به لائوس فرستاد. در ژانویه ۱۹۵۴، نیروهای مشترک لائوسی-ویتنامی شهرک آتوئو و پلاتتو را آزاد کردند.

فرمانده فرانسه، به سهم خود، فکر می‌کرد که یورش ویتنامی‌ها شروع به از دست دادن شتاب خود کرده است، عملیات آغاز شده «آتلانته» شامل ۲۰ گردان پیاده، چهار توپخانه، و سه گردان متحرک بود که از ارتش پنجم در منطقه داخلی ترانگ بو شروع، و چندین استان آزاد شده را دربر می‌گرفت. با دستور کمیته مرکزی حزب، تنها تعداد کمی از نیروها در محل ماندند تا در مقابل پیشرفت دشمن مقاومت کنند. بخش عمده نیروها یورشی را در ارتفاعات مرکزی، برای آزادسازی استان کانتوم انجام دادند. ناواره مجبور شد با ۱۳ گردان برای نجات یلای کو Play Cu بشتابد.

در حالی که این عملیات اتفاق می‌افتادند، هردو طرف به دنبال فرصتی بودند تا در بهترین شرایط نیروهای مهم و زنده دشمن را از بین ببرند. ناواره فکر می‌کرد که می‌تواند نیروهای ویتنامی را در دین بین فو به دام بیاندازد. فرماندهی ویتنام نیز تصمیم گرفته بود که به

آنجا ضربه قاطعی بزند. پیش‌بینی می‌شد که این نبرد در ژانویه رخ دهد. لیکن نیروهای ویتنامی در حال پیشروی به سمت لائوس علیا بودند، که لوآنگ پرابانگ را تهدید می‌کردند. ناو‌اره دوباره مجبور بود با عجله نیروهایی را برای دفاع از شهر و این ناحیه لائوس اعزام کند.

بنابر این در اواخر ژانویه ۱۹۵۴، ناو‌اره که می‌خواست بر واحدهای گسیخته خود در تئاتر شمالی تمرکز کند، مجبور شد آنها را در تمام گوشه و کنار هندوچین پراکنده نماید. در طول زمستان ۱۹۵۳ و بهار ۱۹۵۴، فعالیت‌های چریکی نیز شدت یافتند، بویژه در دلتاهای مکونگ و رود سرخ. شاهراه ۵، که هانوی را با هایفونگ وصل می‌کند و خط حیاتی سپاه اعزامی فرانسوی است، زیر حمله مستدام بود. در ۴ و ۷ مارس ۱۹۵۴، کماندوها به داخل فرودگاه‌های کات بی و جیا لام رخنه نموده و ده‌ها هواپیما را منهدم کردند، و ضربه مهلکی به پل هوایی (فرودگاه) دین بین فو وارد آوردند.

فرانسوی‌ها، با این حال، خوش‌بین باقی ماندند. کاروله بولتن خبری سپاه اعزامی، مطلب ذیل را اظهار داشت:

«فرمانده ویت مینه مجبور است واحدهایش را جابجا کند و برای آنها فواصل عظیمی را از طریق زمین‌های ناهموار که مسیرهای حمل و نقل ضعیفی دارند تدارک ببیند. کارزاری که در این شرایط انجام گیرد تنها می‌تواند به نفع ما تمام شود».

میان دشت‌ها، جایی که پایگاه‌های تدارکاتی نیروهای ویتنامی مستقر هستند، و دین بین فو در امتداد کوهستان‌ها و جنگل‌ها ۵۰۰ کیلومتر مسیر در معرض دید وجود دارد، که بدون وقفه توسط نیروی هوایی فرانسه بمباران می‌شدند. غذا و مهمات روی شانه‌ها، دوچرخه‌ها و قایق‌ها، و گاهی با کامیون حمل می‌شدند به علاوه، دین بین فو دره‌ای است که توسط قله کوه‌هایی به ارتفاع ۱۰۰۰ متر محاصر شده است؛ قطعات توپخانه بایستی به بالا کشیده می‌شدند. ویتنامی‌ها همچنین مجبور بودند برای حمله به مواضع مستحکم، تحت آتش سنگین توپخانه و تانک‌های دشمن به پایین این قله‌ها سرازیر شوند. تدارکات و موضوعات تاکتیکی برای فرماندهی ویتنامی‌ها مسائل دشواری بودند. در ماه فوریه، اردوگاه فرانسه مورد بازدید *اُ، دانیل ژنرال آمریکایی* که خود را «علاقمند» به چشم‌اندازهای نبرد معرفی می‌کرد قرار گرفت. در ۱۲ مارس، فرمانده فرانسه، کماکان با خوشبینی، دستور داد واحدهای جدید در مرکز جبهه ویتنام در کوی نهون *Quy Nhon* به عنوان بخشی از عملیات *آتلانته* پیاده شوند.

در طرف ویتنامی، قهرمانی و سرسختی، صدها هزار نفر از مردان و زنان آنها را قادر می‌ساخت تا بر همه مشکلات مربوط به تدارک و نصب قطعات توپخانه فائق آیند. در ۱۳

مارس، فرماندهی ویتنام دستور حمله به یکی از مواضع بیرونی در دین بین فو به نام هیم لام یا «بئاتریس» را صادر کرد. فرانسوی‌ها ناآآماده گرفتار آمدند، زیرا هرگز باور نداشتند که ویتنامی‌ها بتوانند قطعات بزرگ توپخانه را به بالای قله‌های ناهموار کشانده و آنها را به نحوی عالی استتار کنند، یا این که توپچی‌های ویتنامی توانسته باشند در چنین مدت کوتاهی آموزش دیده باشند. ظرف یکساعت موضع تسخیر شد. در ۱۴ مارس، دومین موضع بیرونی، داک لاپ (گابریله) سقوط کرد. در ۱۷ مارس سومین موضع بیرونی، پادگان بان کئو (آنه ماری) محاصره شد. همه مواضع دفاعی بیرونی شمال و شمال غربی اردوگاه تصرف شده بودند.

تنها بخش مرکزی موئونگ تان و بخش جنوبی هونگ کوم دست نخورده باقی ماندند. نیروهای ویتنامی، در سراسر دشتی که با آتش توپخانه دشمن و تانک‌ها جارو می‌شد چگونه به آنها دست یافتند؟ نیروهای ویتنامی اقدام به حفاری شبکه پیچیده‌ای از سنگرهای راهرویی (ترانشه) کردند که از تپه‌های اطراف شروع می‌شود و در سراسر دشت شیار می‌زند، تا خط حمله و محاصره را به موضع دشمن نزدیک‌تر کند. بدین طریق بیش از ۱۰۰ کیلومتر ترانشه زیر آتش دشمن حفر شدند. این طناب دار بی‌رحمانه دور پایگاهی که توسط فرودگاه مهیا گشته بود تنگ‌تر شد. ، در حالی که در سایر جبهه‌ها در

دلتای رودخانه سرخ و ارتفاعات مرکزی، شرایط به سرعت برای فرانسوی ها رو به وخامت می گذاشت.

ستاد کل ارتش فرانسه، ژنرال *الی Eli* را برای درخواست کمک از آمریکا به واشینگتن فرستاد. با تایید پرزیدنت آیزنهاور، طرحی به نام رمز «والچر» (کرکس) تدوین شد، که به نیروی هوایی ایالات متحده اجازه مداخله برای نجات دین بین فو را می داد.

در ۳۰ مارس، با تکمیل تدارکات، ویتنامی ها یورش دومی را به هدف تصرف ارتفاعاتی که از قسمت شرقی بخش مرکزی دفاع می کردند، آغاز نمودند. اینها مواضع دفاعی کلیدی بودند، این نبرد شدید بود. ارتفاعات C1 (اینشتین) و A1 (الیان ۲) چندین بار دست به دست شد. با رسیدن به نیمه آوریل خط ویتنامی ها به فرودگاه مرکزی، جایی که تدارکات برای اردوگاه فرو ریخته می شد رسیده بود. دشمن شدیداً اما با ضدحمله های ناموفق در تلاشی برای بازپس گیری آن آغاز کرد. سهم خوبی از غذا و مهمات که با چتر نجات برای فرانسوی ها پرتاب می شد در داخل خطوط ویتنامی ها فرود می آمد. نیروی هوایی فرانسه اقدام به بمباران خطوط ویتنامی ها و جاده ها کرد، اما سربازان ویتنامی به مواضع خود چسبیدند و کاروان های تدارکات همگی به سلامت رسیدند.



در ۱۵ آوریل، یک ژنرال آمریکایی برای بحث درباره ترتیبات عملیات والچر (کرکس) وارد هانوی شد. با این حال، تشخیص داده شد که حتی مداخله بمب افکن‌های ایالات متحده تغییر قابل توجهی در وضعیت دین بین فو ایجاد نخواهد کرد. به علاوه افکار عمومی در فرانسه و سایر کشورها مانع از آن خواهد شد که دولت‌های فرانسه و بریتانیا کورکورانه از نقشه‌های جنگی واشینگتن پیروی کنند. عملیات والچر لغو شد.

در ۱ می، مرحله سوم حمله آغاز شد. ارتفاعات A1 و C1 مانند سایر مواضع مورد تجاوز قرار گرفتند. بعد از ظهر ۷ می، یورش نهایی نیروهای ویتنامی را قادر ساخت، ستاد فرماندهی دشمن را محاصره و کل پادگان، از جمله ژنرال دکاستریه را تصرف کنند. آنها پرچم سفید بالا برده و محاصره شدند. آن شب، پادگان در بخش جنوبی تصرف گردید. حتی یک سرباز دشمن نتوانست فرار کند.

فرانسه بهترین واحدهایش را در دین بین فو از دست داد: ۱۶۲۰۰ نفر از مردان در مجموع شامل یک ژنرال، ۱۶ سرهنگ، و ۱۷۴۹ افسر دیگر و افسران وظیفه. در طول کارزار زمستان-بهار سال ۱۹۵۴-۱۹۵۳، جنگ در همه جبهه‌ها شدت گرفته بود، بویژه در ارتفاعات مرکزی، جایی که نیروهای ویتنامی گروه سیار ۱۰۰ را، که اخیراً از کره برگشته بود کاملاً نابود کرده بودند. نبرد در دلتاهای مکونگ و رودخانه سرخ، و بین تری تین

Bin Tri Thien، تا حد عملیات‌های منظم رسیده بود. خسارات وارده به سپاه اعزامی فرانسه و ارتش مزدور در طول این لشکرکشی بسیار زیاد، و در مجموع ۱۱۲۰۰۰ نفر و ۱۱۷ هواپیما بود. شکست‌ها در دین بین فو و در کارزار زمستان- بهار دولت فرانسه را مجبور به درخواست صلح نمود.

## کنفرانس ژنو

بالا گرفتن تنش جنگی و عقب‌نشینی فرانسوی‌ها در پایان سال ۱۹۵۳ موجبات انشعابات عمیقی در افکار عمومی فرانسویان شد. مخالفت با جنگ به محافل سنتی راست‌گرا رسید. عنصر قوی، «تا آخرین نفس بجنگ» طرفدار آمریکا که توسط دولت لانیل بیدو نمایندگی می‌شد بیش از پیش منزوی گردید. افکار بین‌المللی که عمیقاً نگران بود، خواهان صلح شد.

در نوامبر ۱۹۵۳، پرزیدنت هوشی مین، در مصاحبه‌ای که با روزنامه سوئدی اکسپرسن ارائه شد اظهار نمود:

«اگر درسهای اجتناب ناپذیری از این سال‌ها جنگ گرفته باشیم، دولت فرانسه تمایل به رسیدن به یک آتش بس و حل و فصل موضوع ویتنام از طریق مذاکرات دارد، پس

مردم و دولت جمهوری دموکراتیک ویتنام حاضرند پیشنهادات فرانسه را بررسی کنند. پایه اساسی برای چنین آتش‌بسی آن است که دولت فرانسه می‌بایست به استقلال فرانسه احترام بگذارد».

دولت لانیل بیدو در برابر افکار فرانسه و جهان، دیگر نمی‌تواند مسئولیت‌هایش را نادیده بگیرد. در فوریه ۱۹۵۴، دولت‌ای فرانسه و ایالات متحده در کنفرانسی در برلین توافق کردند که موضوع هندوچین می‌بایست در کنفرانسی در ماه آوریل بررسی شود.

کنفرانس ژنو در مورد کُره و هندوچین در ۲۶ آوریل گشایش یافت. آمریکایی‌ها و دولت لانیل بیدو کوشیدند به هر وسیله ممکن آن را تخریب کنند، تا آن‌جا پیش رفتند که هرگونه جایگاه نمایندگی مقاومت ویتنام را انکار کنند. ایالات متحده برنامه داشت تا عوامل طرفدار فرانسه در ویتنام را با عناصر طرفدار آمریکا که خواهان ادامه جنگ بودند جایگزین کند، لیکن پیروزی‌های چشم‌گیر نیروهای ویتنامی مانع همه این مانورها شد. در ۸ ماه مه، ۲۴ ساعت پس از سقوط دین بین فو، کنفرانس ژنو پیرامون هندوچین افتتاح گردید. از طرف دولت و مردم جمهوری دموکراتیک ویتنام، فام وان دونگ موضع ویتنام را بیان می‌داشت.

دولت لانیل بید، که به سیاست جنگ خود چسبیده است، در تاریخ ۸ ژوئن توسط پارلمان فرانسه واژگون شد. نخست وزیر جدید، مندرس فرانس مجبور بود ادعای صلح کند. آمریکایی‌ها ناموفق کوشیدند سهمگین و با اژدر کنفرانس را بزنند. در شب ۲۰ جولای، توافق‌ها نقطه پایانی بر جنگ هندوچین گذاشته و آن را امضا کردند. ۸ دولت در کنفرانس شرکت داشتند: جمهوری دموکراتیک ویتنام، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی، بریتانیا، جمهوری خلق چین، ایالات متحده، کامبوج و لائوس به اضافه دولت بائو دایی.

مذاکره کنندگان اصلی عبارت بودند از فرانسه، ویتنام و چین. ایالات متحده ابتدا تلاش کرد که در کنفرانس خراب‌کاری کند. از آن جایی که سواحل و بنادر توسط نیروهای امپریالیستی مسدود شده بودند، ویتنام کمک خارجی را منحصر از چین دریافت می‌نمود. از اینرو نقش کلیدی را در میز مذاکره بازی می‌کرد.

از ۸ می تا ۲۳ ژوئن سال ۱۹۵۴، هیئت فرانسوی در ژنو ملاقات با ویتنامی‌ها را رد کرد، اما مذاکرات طولانی با چین انجام داد، و دو طرف بر سر عناصر اصلی که برای هردو قابل سازش بود توافق کردند بخش جنوبی هندوچین که شامل ویتنام و کامبوج می‌شد، تحت نفوذ فرانسه باقی می‌ماند، در حالی که نیمه شمالی ویتنام و دو استان لائوسی (سام نیوا و فونگسالی) توسط ویتنامی‌ها و نیروهای میهن‌پرست لائوسی کنترل می‌شد. از این

قرار مرزهای جنوبی چین توسط منطقه حائل تحت کنترل نیروهای محافظت می‌شد که پکن باورداشت به راحتی می‌تواند از پس آن برآید.

هیئت ویتنامی باید مبارزه می‌کرد تا شاهد تثبیت اصل احترام به استقلال، حاکمیت، اتحاد و یکپارچگی سرزمینی کشورهای هندوچین باشد. قادر به اعلام تجزیه کشور یا تضمین منطقه‌ای خودگردان برای تجدید سازمان نیروهای میهن‌پرست کامبوجی نبود. چوئن‌لای مقاومت کامبوجی‌ها را رها کرده بود، احتمالاً به دلیل آن که این کشور مرز مشترکی با چین نداشت.

موافقتنامه‌های امضا شده مفاد نظامی و سیاسی را دربر داشت. از لحاظ نظامی، تصمیم گرفته شد که نیروهایی از هر طرف در دو منطقه متفاوت گروه‌بندی مجدد شوند، شمال و جنوب مدار هفدهم، تا ارتش‌هایی را که، بنا به طبیعت خاص جنگ، مانند «دو شانه» در هم فرو رفته بودند از هم جدا کنند. برای دستیابی به این گروه‌بندی مجدد با یک مهلت ۳۰۰ روزه توافق شد.

از نظر سیاسی، توافقات استقلال، حاکمیت، اتحاد و یکپارچگی سرزمینی سه کشور هندوچین را به رسمیت شناختند. به هیچ وجه خط مرزی در امتداد مدار ۱۷ درجه به

عنوان مرز سیاسی در نظر گرفته نشد. حداکثر در جولای ۱۹۵۶، نهایتاً انتخابات آزاد همگانی با آراء مخفی دولتی متحد را به ویتنام عرضه خواهد کرد.

با اتحاد مجدد در حال بررسی، دو منطقه ویتنام از پیوستن به هرگونه اتحاد نظامی خودداری خواهند کرد. هیچ پایگاه نظامی نباید مستقر گردد و هیچ تجهیزات یا پرسنل نظامی جدیدی به هر دو منطقه آورده شود.

علیرغم همه محدودیت‌هایی که بر امر رهایی ویتنام تحمیل می‌شد، توافقنامه‌های ژنو پیروزی بزرگی برای مردم ویتنام ببار نیاورد. آنها نیمه شمالی کشورشان را، که قرار بود به پایگاه عقبی محکمی برای ادامه مبارزه جهت رهایی ملی تبدیل شود آزاد کردند.

بنابراین، پس از ۹ سال جنگ، امپریالیسم فرانسه مجبور شد به بیهودگی تلاش‌هایش در رقابت با ویتنام اعتراف کند. از این نه سال جنگ، ژنرال وو نگوین جی‌اپ، فرمانده کل ارتش خلق، به نتایج ذیل رسید:

«مردم و ارتش ما دشمنی قدرت مند و کاملاً مجهز را شکست داده‌اند زیرا هموطنان و سربازان ما با عزمی راسخ برای جنگیدن و پیروزی استقلال ملی، برای توزیع زمین به دهقانان، برای صلح، و برای سوسیالیسم انگیزه می‌گرفتند. دشمن با جبهه متحدی از طبقات اجتماعی و وابستگی‌های سیاسی و مذهبی روبرو می‌شد. حزب مارکسیست-لنینیست ما که توسط پرزیدنت هوشی مین رهبری می‌شد با تسلط خط مشی‌های درست سیاسی و نظامی را پایه گذاشت.

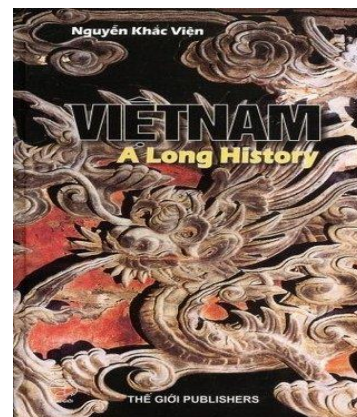
ما، علاوه بر این در عصری زندگی می‌کنیم که در آن امپریالیست‌ها دیگر نمی‌توانند کاملاً مسلط باشند. کل نظام کشورهای سوسیالیستی با قدرت عظیم سیاسی و مادی، و جنبش‌های بخش ملی مانند موج جندر و مدی برآمده و فربه شده و شرایط مناسبی را برای مبارزه ملل ستمدیده فراهم می‌کنند. جنگ خلق که با ارتشی خلقی انجام می‌گیرد به درستی می‌تواند یکی از قطعی‌ترین دستاوردها، برای کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین مهم‌تر از هر سلاحی در نظر گرفته شود. خلق ویتنام، با رهایی خود، افتخار دارد که در رهایی خلق‌های برادر سهمی داشته باشد.

من باور دارم که در دوران کنونی، هیچ ارتش امپریالیستی، هرچند بتواند بسیار قوی باشد، و هیچ ژنرال امپریالیست، هرچند بتواند بسیار با استعداد باشد، قادر باشد خلقی را،

حتی ضعیف و کوچک، که بداند چگونه قاطعانه و متحد در مبارزه در امتداد مسیر درست سیاسی و نظامی برخیزد شکست دهد. تجربه ما نشان داده است که نباید هیچ توهمی در مورد حسن نیت امپریالیست‌ها داشته باشیم. استعمار در شکل نو خطرناک‌تر از همیشه بوده و مردم باید برای مبارزه با آن آماده باشند. مردم نباید بیش از حد از قدرت سلاح‌های مدرن بترسند. این ارزش انسان‌هاست که، در نهایت پیروزی را رقم می‌زند».

ماخذ:

کتاب ویتنام تاریخی طولانی - اثر: نگوین خاک فین - چاپ ویتنام - ناشرین جیویی.



سامان

تابستان ۲۰۲۵ - هلند